مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال چهاردهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شمارهٔ پیاپی ۲۶

تحلیـل رابطـهٔ طایفــه‌گرایــی اجتماعات محلی با توسعــهٔ سیاســی در شرایط انتخاباتی (مطالعــهٔ موردی: شهرستان نورآبــاد ممسنــی)

حمدالله سجاسی‌قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)
ssojasi@um.ac.ir
مهدی پورطاهری (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
mahdit@modares.ac.ir
وحید صادقی (کارشناس‌ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
vahidsadeghi86@yahoo.com
سید محمدحسین حسینی (کارشناس‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، وزارت امور خارجه، تهران، ایران)
mh.hossein25@yahoo.com

صص ٤٦ - ۱۹

چکیده

اهداف: طایفه‌گرایی اساساً مبتنی بر رجحان یک گروه نـژادی، طایفـه‌ای و فرهنـگ اجتماعی مشخص بر گروه‌های دیگر است که در آن انجام تصمیم‌گیری‌های سیاسی مبتنی بر گرایش‌های طایفه‌ای بوده و در تضاد با توسعهٔ سیاسی است؛ زیـرا توسـعهٔ سیاسی، فرآیند دموکراتیزاسیون مبتنی بر نهادینگی ساختارهای سیاسی برخـوردار از جامعهٔ مدنی و چرخهٔ مسآلمت‌آمیز قدرت از طریق وفاق بین نخبگـان و تفکیـک و افتراق بین ساخت‌ها را در بر می‌گیرد، اما دستیابی به چنین سطحی از توسعهٔ سیاسی در تصـمیم‌گیـری‌هـا نیازمنـد گُـذار از تعصـبات قـومی و طایفـه‌ای اسـت. پدیـدهٔ طایفه‌گرایی اجتماعی ـ سیاسی عمدتاً در اجتماعات محلی با سـاختارهای طایفـه‌ای عمدتاً مشاهده می‌شود که تدوام آن می‌تواند اثرات منفی متعددی مانند بی‌انگیزگـی سایر گروه‌های اجتماعی و انحصارطلبی قدرت سیاسی شود. نمود عینی طایفه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی عمدتاً در شرایط انتخاباتی تشدید می‌شود. در این میان شهرستان ممسنی به‌عنـوان یکـی از شهرسـتان‌هـای اسـتان فـارس از جملـه منـاطق جغرافیایی پیرامونی کشور است که هنوز عناصر سنتی خود را حفظ کرده است. این شهرستان در طی سالیان متمادی زندگی عشیره‌ای و سنتی داشته است، به‌طـوری‌کـه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۷   تاریخ تصویب: ۱۳۹٤/۰۳/۲۰

هویت جغرافیایی و طایفه‌ای یکی از نیرومندترین عوامل اثرگذار بر پایگاه رأی‌آوری نمایندگان این حوزهٔ انتخابیه را شکل می‌دهد. بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده است که چه رابطه‌ای بین طایفه‌گرایی و توسعهٔ سیاسی در اجتماعات محلی وجود دارد؟

روش: داده‌های مقاله پیشِ رو که ماهیتی توصیفی‌تحلیلی دارد، به روش کتابخانه‌ای و تحلیل آماری داده‌های میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) گردآوری شده است. در روش میدانی با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تبیین رابطهٔ دو متغیر طایفه‌گرایی به مثابهٔ متغیر مستقل و توسعهٔ سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها/ نتایج: تحقیق نشان داد که بین دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعهٔ سیاسی ارتباط معناداری وجود داشته است. در شهرستان ممسنی به‌دلیل حاکمیت بافت سنتی و غلبهٔ عناصر متأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش‌برانگیز، فرآیند توسعهٔ سیاسی با موانعی مواجه بوده است.

نتیجه‌گیری: نگرش‌های محلی‌طایفه‌ای یکی از عوامل کلیدی بوده که در توسعه‌نیافتگی سیاسی شهرستان نورآباد ممسنی نقش داشته و به‌علت عبور ناقص شهرستان از مراحل توسعهٔ سیاسی نظیر انتخابات، منجر به تثبیت نظام فکری طایفه‌گرایی شده است.

کلیدواژه‌ها: طایفه‌گرایی، توسعهٔ سیاسی، انتخابات، شهرستان نورآباد ممسنی.

۱. مقدمه

توسعهٔ سیاسی فرآیندی برای گذار از وضعیت توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی است که از آن تحت عنوان دموکراتیزاسیون[1] یاد می‌شود. طبعاً یکی از شاخص‌های محوری توسعهٔ سیاسی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود است که این امر از طریق رقابت سیاسی سالم و کارآمد به وقوع می‌پیوندد (حجاریان، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۹). در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، نحوهٔ رابطهٔ حامی-پیرو یکی از موانع اصلی گذار به دموکراسی محسوب می‌شود که نمونهٔ بارز آن را می‌توان در نظام‌های صرفاً مبتنی بر طایفه‌گرایی مشاهده کرد؛ زیرا جهت‌گیری‌های سیاسی اقوام و طوایف به کانالیزه‌شدن و تک‌ساختی‌شدن نظام سیاسی منجر

1. Democratization

می‌شود که در تضاد با روحیهٔ توسعهٔ سیاسی و دموکراسی است. بر این بنیان، برای جلـوگیری از تمرکزگرایی سیاسی در طوایف و اقوام مسلط، در ایران نیز پس از انقلاب مشروطه، در سال ۱۲۸۵شمسی و نهایتاً به سلطنت رسیدن رضاخان در سال ۱۳۰٤ علی‌رغم سرکوب خـوانین در مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور و تلاش برای ایجـاد حکومـت متمرکـز و مبتنـی بـر قـدرت مطلقه، نظام طایفه‌ای به‌دلیل سـاختارهای سـنتی حـاکم بـر جامعـهٔ ایرانـی و فرهنـگ سیاسـی ایلی‌عشیره‌ای جامعهٔ ایرانیان، برتری قومی و طایفه‌ای همچنان ادامه یافـت بـه‌طـوری‌کـه اکثـر مناطق پیرامونی ایران از ساختار تاریخی و اجتمـاعی قـومی و طایفـه‌ای، در قالـب اجتماعـات محلی برخوردار بودند. از این‌رو، مشارکت سیاسی در این مناطق همواره با تعصبات محلـی و طایفه‌ای همراه بود. شهرستان ممسنی از جمله مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور است که هنوز عناصر سنتی خود را حفظ کرده است. این شهرستان در طی سالیان متمادی زنـدگی عشـیره‌ای و سنتی داشته است به‌طوری‌که فرهنگ سیاسی طایفه‌ای بنیاد و ساختار اجتماعی این منطقـه را شکل داده و براساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی دارای اجزای معینـی نظیـر ارزش‌هـا، باورهـا و ایستارهای احساسی مردم نسبت بـه سیسـتمی بـوده اسـت کـه منجـر بـه شـکل‌گیـری نظـام طایفـه‌گـرایـی در این شهرستان شده است. این مبانی رفتـاری در دو سـطح نهـاده (سـنت) و داده‌های (مدرن) نظام، تقابل خرده نظام‌های طایفـه‌ای و محـلی با خرده نظام‌های نوگرایـانـه را به‌همراه داشته است که همواره یکی از موانع عمدهٔ توسعهٔ سیاسـی بـه‌شـمار مـی‌رود. بنیـاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده است کـه چـه رابطـه‌ای بـین طایفـه‌گرایـی و توسـعهٔ سیاسی در اجتماعات محلی وجود دارد؟

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی‌تحلیلی و روش گـردآوری و تحلیـل داده‌هـا کتابخانـه‌ای و تحلیل آماری داده‌های میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) است. برای این منظور ابتدا به مطالعـهٔ مبـانی نظری پژوهش در رابطه با مسئلهٔ اصلی پژوهش پرداختـه شـده و از درون آن شـاخص‌هـا و متغیرهـای تحقیق استخراج شده است. براساس متغیرهای پژوهش، پرسشنامه‌ای در قالب ٤۹ سؤال با طیف لیکریـت (پنج‌گزینه‌ای) طراحی شد. شاخص‌هایی کلیدی که در این پرسش‌نامه لحاظ گردیده‌اند، شـامل: شـاخص اول مربوط به طایفه‌گرایی و شاخص دوم متمرکز بر توسعهٔ سیاسی است. در ادامه جمـع‌آوری داده‌هـای

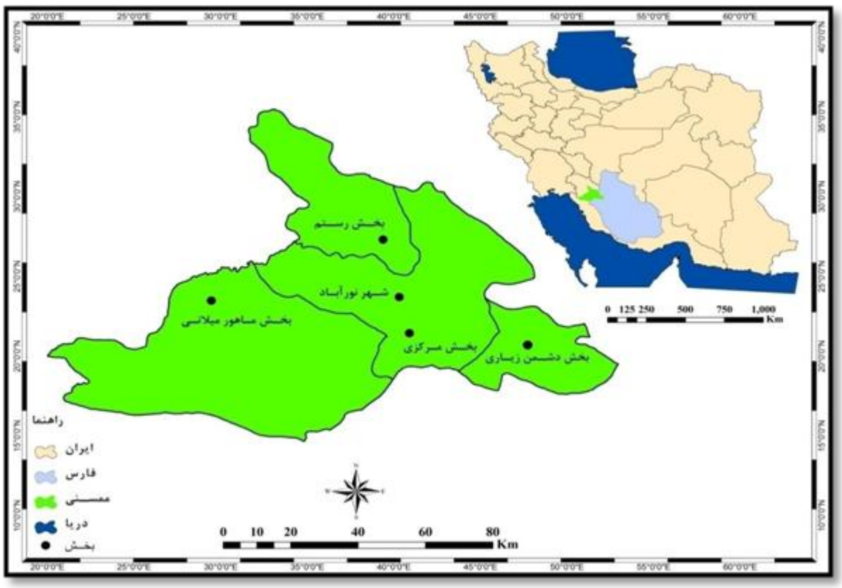
پژوهش نیازمند مشخص‌کردن جامعهٔ آماری است؛ لذا در سطح منطقه‌ای، شهرستان نوآباد ممسنی به‌عنوان منطقهٔ مورد مطالعه انتخاب شد. علت انتخاب این شهرستان، وجود نگرش‌های محلی‌طایفه‌ای در این منطقه، ضعف مناسبات و مراودات مؤثر طوایف با یکدیگر، کم‌توجهی به صلاحیت‌های فردی در انتخابات و گزینش بر بنیاد هویت جغرافیایی و طایفه‌ای بوده است که در برخی از موارد نیز منجر به تنش‌های محلی و طایفه‌ای در شهرستان منجر می‌شود. از اقوام مستقر در نورآباد ممسنی می‌توان به دو قوم اصلی لُر و تُرک قشقایی اشاره کرد که قوم لُر ٤ طایفه بَکِش، جاوید، رُستم، دُشمَن‌زیاری و ماهور مِیلاتی را شامل می‌شود و از قوم ترک قشقایی دو طایفهٔ کَشکولی و دَره‌شوری در بخش ترک‌تبار ماهورمیلاتی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. به‌دلیل گستردگی شهرستان و همچنین بالابودن تعداد افراد مربوط به هر طایفه، برای تکمیل پرسش‌نامه به‌صورت تصادفی از میان ریش‌سفیدان به‌عنوان رهبران و متنفذین محلی هر قوم، ۵۰ پرسش‌نامه تکمیل شد؛ لذا در مجموع، تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه تکمیل و جهت پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش استفاده شده است. لازم به ذکر است جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و با توجه به مقیاس داده‌ها که از نوع رتبه‌ای است از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و یومن ـ وایت نی برای مقایسه میانگین‌ها و آزمون اسپیرمن استفاده شده و تحلیل مسئله بر مبنای این آزمون است.

۳. محیط‌شناسی پژوهش

استان فارس ۲۹ شهرستان دارد. شهرستان ممسنی در شمال غربی این استان و غرب رشته‌کوه زاگرس قرار دارد. عُمده ساکنان نواحی شمال غربی و غرب استان فارس گویش لُری دارند. ممسنی نیز شامل دو گروه زبانی لُری و تُرکی قشقایی است (حبیبی‌فهلیانی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱). براساس آمارهای آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، این شهرستان با اختصاص ٥/٤ درصد از مساحت استان، ١١٦٣٨٦ نفر جمعیت دارد که ٦١٨٣١ نفر در نقاط شهری و ٥٣٩١٦ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند و ٦٣٩ نفر هم غیرساکن هستند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۳–١٥٤).

شهرستان ممسنی با یک حوزهٔ انتخابیه (مَمَسَنی) از چهار بخشِ مرکزی، رستم، دُشمَن‌زیاری و ماهور مِیلاتی تشکیل شده است. هرکدام از این بخش‌ها، جایگاه یا زادگاه جغرافیایی طایفه‌های ممسنی هستند، به‌طوری که از دیرباز طوایف بَکِش، جاوید، رستم،

دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی در این مناطق سکنی گزیـده‌انـد. طایفـه در ممسـنی موجودیـت قانونی ندارد لکن یک واقعیت اجتماعی‌مکانی است که بـر فضـای جغرافیـای ممسـنی مسـلط است (صادقی و حسینی، ۱۳۹٤، ص. ۱۷). روابط و مراودات درون‌طایفه‌ای بر پایهٔ دوسـتی و مروّت است، اما گاهی مواقع دیده می‌شود که عاملی (معمولاً اقتصادی) این دوسـتی و مـودّت را به دشمنی و حتی نزاع تبدیل می‌کند و به‌طور کامل وحدت و انسجام درونی طایفه را بـرای مدتی متزلزل و بی‌ثبات می‌کند، اما همان طایفه و زیستگاه که ممکن است دچار تزلزل درونـی باشد، در مقابل عامل خارجی (سایر طوایـف یـا بیگانگـان) از خـود وحـدت و اتحـاد نشـان می‌دهد و با خطری که یگانگی طایفه را تهدیـد مـی‌کنـد، بـه‌طـور جمعـی و گروهـی مبـارزه می‌کنند. رابطهٔ بین طایفه‌ای هم براساس دوستی و هـم‌زیسـتی مسـالمت‌آمیـز اسـت، امـا ایـن دوستی بر بنیاد رقابت‌های ژئوپلیتیکی است. این رقابت‌ها بعضی مواقع (زمان انتخابات) رابطـه بین مکان‌ها و طایفه‌های موجود در ممسنی را شَکرآب می‌کند (صادقی، ۱۳۹٤، ص. ۲۰).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدودهٔ مورد مطالعه

مأخذ: میرزایی‌تبار، صادقی و حسینی، ۱۳۹٤، ص. ۱۷۷

بخش مرکزی با وسعت ۲۰۱۲ کیلومتر مربع و از منظر جمعیتی بـا ۹۸۷٦۱ نفـر جمعیـت، بیشترین جمعیت را در شهرستان دارد که شهر نورآباد مرکز حـوزهٔ انتخابیـهٔ ممسـنی در ایـن

بخش واقع شده است (سالنامهٔ آرماری، ۱۳۹۰). بخش مرکزی که به «بلـوک ممسـنی» شـهرت دارد (حبیبی‌فهلیانی، ١٣٨٤، ص. ٥)، از وزن ژئوپلیتیک بالایی در منطقه برخوردار است. ایـن بخش زیستگاه جغرافیایی دو طایفهٔ بزرگ «بَکِش و جاوید» است که اصالتاً طوایفی لُر زبـان و از منظر سیاسی‌اقتصادی نقش مهمی را در این شهرستان ایفا می‌کنند (رومینا و صـادقی، ١٣٩٤، ص. ٩٦). طایفه بَکِش که هستهٔ اولیهٔ شهرستان را ـ خواه از نظر مرکزیـت جغرافیـایی و خـواه جمعیتی – تشکیل می‌دهد از قدرت و اثرگذاری بالایی در جهت تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و بسیج توده‌ها در زمان انتخابات برخوردار است. پیشینه و ادبیات تاریخی، همبستگی درونـی و هماهنگی مُسنجم متنفذان محلی، تبلیغات گسترده و لابـی‌گـری بـرای جـذب آرای شـناور و بهره‌گیری از ظرفیت جمعیتی و ساماندهی نیروهای درون‌زادگاهی به این مسئله انجامیده است که نامزدهای این حوزهٔ جغرافیایی (طایفه) در ادوار سوم، ششم، هشتم و نهم مجلـس شـورای اسلامی پیروز انتخابات شوند. طایفهٔ جاوید با در اختیار داشتن بازار شهرستان ممسنی به‌عنوان قدرتی اقتصـادی از تـوان و قابلیـت بـالایی بـرای بسـیج نیروهـا و در نهایـت احـراز قـدرت برخوردار است و تاکنون توانسته در سه دوره (اول، دوم و هفتم) از انتخابات مجلس شـورای اسلامی پیروز انتخابات شود.

بخش پیرامونی مکان استقرارِ طوایف رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتـی اسـت. بخـش رستم با وسعت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع و ٤٦٧٥١ نفـر جمعیـت، یکـی از بخـش‌هـای پیرامـونی شهرستان مَمَسَنی است (سالنامهٔ آرماری،۱۳۹۰). ایـن بخـش کـه از منظـر جمعیتـی و فضـای جغرافیایی، بخش پهناوری از شهرستان ممسنی را شامل می‌شود، خارج از منطقهٔ ممسنی واقـع شده است و همواره از نظر ژئـوپلیتیـک مشکل اساسی داشته اسـت. از ایـن رو، بـرای کسـب قدرت سیاسی (کُرسی نمایندگی) علی‌رغم بسیج نیروها (طایفه) با بحران مواجه مـی‌شـود؛ در نتیجه پیوستگی و تعامل کمی با بخش مرکزی (هستهٔ سخت شهرستان) دارد و این مهـم یکـی از سازه‌هایی (عواملی) است که باعث شده این طایفه به‌رغم جمعیت هنگُفتی که دارد تـاکنون دو دوره (مجلس چهارم و پنجم) کُرسی نمایندگی مجلس را کسب کند. بخش دشـمن‌زیـاری با ٩٤٤٢ نفر جمعیت، ۲ دهستان (دشمن‌زیاری و مشایخ)، در سال ١٣٦٨ به بخش ارتقا یافـت و در جنوب شرقی و شرق ممسنی واقع شده است (سالنامهٔ آماری، ۱۳۹۰). این بخش به‌دلیـل نداشتن جمعیت لازم، پراکندگی جمعیـت و دوری از مرکـز (جغرافیـایی)، قـدرت سیاسـی و

اقتصادی اندکی دارد. از این رو، از توان بالایی در رقابت‌های انتخاباتی برخوردار نیست و این مهم به این مسئله انجامیده که نامزدهای این طایفه نتوانند طی تـاریخ بعـد از انقـلاب اسـلامی کُرسی نمایندگی مجلس را تحصیل کند. بخش ماهور مِیلاتی، به‌دلیل نداشـتن جایگـاه لازم در اُرگان‌ها و سازمان‌های دولتی شهرستان و ضـعف انسـجام درون‌طایفـه‌ای و نداشـتن متنفـذان محلی جهت ساماندهی و تنسیق افراد در فرآیندی چون انتخابـات و همچنـین برخـورداری از فرهنگ و زبان متفاوت که با هستهٔ مرکزی شهرستان ازلحـاظ قـومی‌فرهنگـی، زبـانی متفـاوت است و کمی جمعیت در کارزار انتخابات نمی‌تواند اثـربخش و کـارا ظـاهر شـود و دائمـاً در فرآیند انتخابات نقش آرای شناور را بازی می‌کنـد. جـذب آرای سـرگردان منـوط بـه تـوان و پتانسیل دیگر طوایف است و هر طایفه‌ای که بتوانـد رایزنـی‌هـا و لابـی‌گـری‌هـای لازم را بـا متنفذان و متمولان محلی این طایفه به‌عمل آورد از فرصت و ژرفای ژئـوپلیتیکی بـالایی بـرای احراز کُرسی مجلس برخوردار می‌شود. این بخش‌ها به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌هـای مکان استقرار، به‌طور نسبی در اِنزوا به سر برده و کمتر در معرض تبادلات و تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند (رومینا و صادقی، ۱۳۹٤، ص. ۹٦). از این رو، همـواره دچـار خـلأ قدرت هستند و بکشی‌ها و جاویدی‌ها (قدرت‌های موجود) عُمق اسـتراتژی خـود را (جهـت جذب آراء) در آنجا دنبال می‌کنند.

الگوی مسلط فرهنگ سیاسی در شهرستان ممسنی کارکردی طایفه‌محور دارد. به‌طـوری‌کـه فرهنگ سیاسی طایفه‌ای از ریشهٔ ژرفی برخوردار است و به رفتار سیاسی و کُنش‌های سیاسـی ساکنان ممسنی جهت می‌دهد. پیدایش و تطور فرهنگ سیاسـی طایفـه‌ای از فرهنـگ عمـومی، تاریخ و جغرافیای ممسنی نشئت گرفته است. در رابطه با موانع توسعهٔ سیاسی در ممسنی باید اشاره کرد که فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه هرگونه تحول فکری را محدود می‌سـازد و ساخت اجتماعی‌طبقاتی که ماحصل فرهنگ و ارزش‌های حاکم است در طول تـاریخ اسـتمرار می‌یابند و فرآیند توسعه‌نیافتگی سیاسی را به‌همراه دارد.

٤. چهارچوب نظری پژوهش

٤. ١. طایفه‌گرایی

ادبیات جغرافیای انتخابات نشان می‌دهد که جُستار طایفه‌گرایی[1] یکی از عوامل اثرگـذار در رفتار سیاسی شهروندان، نقشهٔ رفتار انتخاباتی و پیدایش الگوی فضایی انتخابـات بـوده اسـت. در واقع، جغرافیایی‌ترین بعد رأی‌گیری همین مقولهٔ طایفه‌گرایی اسـت کـه در آن رابطـهٔ میـان نتایج انتخابات، و محدودهٔ پیرامونی سکونتگاه و زادگاه نامزدها و نمایندگان بررسـی مـی‌شـود (گلاسنر[2]، ۱۹۹۳، ص. ۱۸۵). طایفـه‌گرایـی[3] نوعی احساس و انگیزهٔ درونی در افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط بـا نحـوهٔ ادراک از مکـان و محـل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با محل‌های دیگر تـرجیح مـی‌دهنـد (رومینـا و صادقی، ۱۳۹٤، ص. ۹۱). به دیگر سخن، مبحث طایفـه‌محـوری نـاظر بـر اثرگـذاری عناصـر مکانی و جغرافیایی در پسندها و مطلوب‌های مؤثر در رفتار رأی‌دهندگانِ ساکن محـدوده‌هـای خاص (پایگاه حمایتی) زادشهری است (کاویانی‌راد و ویسی، ۱۳۸۷، ص. ۳).

در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی با پیشینهٔ عشایری و کوچنـدگی، گذشـته از ارتبـاط بـین گروهی، تشکیلات مکانی‌طایفه‌ای در سطوح گوناگون موجب پیوندها و بستگی‌های ریشـه‌دار می‌شـود (سـعیدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۲). در چنـین منـاطقی، ایـن وصـلت‌هـا و پیوسـتگی‌هـای خویشاوندی مهم‌ترین بنیادها و پیوندها به شمار می‌رونـد (دُسـوان، ۱۳۸۲، ص. ٤٥). در ایـن مناطق، روابط انسان‌ها با توجه به مناسبات قومی شکل می‌گیرد. به‌عبـارتی، تنهـا حلقـه‌ای کـه افرادِ گروه‌ها و اقوام را به هم نزدیک و مرتبط می‌سـازد، علقـه‌هـای خویشـاوندی و طایفـه‌ای است. این مهم خود تا حدودی زیادی از صیانت ذات و حمایـت افـراد طایفـه از همـدیگر در مقابل دشمنان متاثر شده است. بعد از مسکن‌گزینی ضمن اینکه این همبستگی قومی‌طایفـه‌ای، همچنان به قوت خود باقی می‌ماند، رابطهٔ مکانی به عنوان یک عامل قوی ثانوی بـر آن افـزوده می‌شود. بنابراین علقه‌های خویشاوندی، رابطهٔ مکانی و ویژگی‌های اجتماعی، درهم می‌آمیزد و در نهایت محیط‌هایی با ویژگی‌های قومی، اجتماعی و مکانی خاص خـود بـه‌وجـود مـی‌آورد (مهدوی، ۱۳۹۲، ص. ۷). در رابطهٔ بین شخصیت و طایفه‌گرایـی گرچـه هـر جامعـه‌ای نـوعی

1. Tribalism
2. Glassner
3. Tribalism

طایفه‌گرایی را بر می‌انگیزاند، همهٔ اعضای جامعه به یک اندازه طایفه‌گرا نیستند. بدین معنا کـه برخی سنخ‌های شخصیتی بیشتر از سنخ‌های دیگر گرایش‌هـای طایفـه‌گرایانـه دارنـد (کـوئن، ۱۳۸٦، ص. ٤٤).

به‌طور کلی، ساختار طایفه و نظام طایفه‌گرایی اساساً مبتنی بـر مـدل سـازمانی اجتمـاعی و غیررسمی و همان «**جمین شافت**»[1] فردیناند تونیس و **نظـام سـنتی** تـالکوت پارسـونز اسـت. جمین شافت به‌عنوان الگوی سنتی بر پایهٔ روابط خویشاوندی پایه‌گـذاری مـی‌شـود –فـرد در واحد اجتماعی به دنیا می‌آید، نه صلاحیت او برای عضویت و نه حس تعلـق او مـورد سـؤال قرار می‌گیـرد ـ و روابـط بـین اشـخاص بـر مبنـای احساسـات و عواطـف اسـت (پـالمر و همکاران،۱۳۹۱، ص. ۹۲). در جامعهٔ سنتی پارسونزی روابـط اعضـا مبتنـی بـر خویشـاوندی، روابط غیررسمی و پدرسالاری استوار است که این ویژگی‌ها را می‌توان در سـاختاری بـه نـام نظام طایفه‌گرایی مشاهده کـرد. فرهنـگ سیاسـی طایفـه‌ای مبتنـی بـر رابطـه روابـط عـاطفی، خاص‌گرایانه، منافع جمعی، نسب‌گرایی و درهم‌نگری است و تصمیم‌گیرندهٔ نهایی نه فرد بلکه رهبر و بزرگ طایفـه (متنفـذین محلـی) اسـت. لـذا در چنـین جوامـع و اجتماعـات محلـی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی تحت تأثیر گـرایش‌هـای طایفـه‌ای قـرار گرفتـه و در راسـتای منـافع جمعی برای گروهی محدود می‌باشد که مانعی در رابطه با توسعهٔ سیاسی اسـت (قـوام، ۱۳۸۹، ص. ٥۱).

٤. ۲. تـوسعـهٔ سیـاسـی

توسعهٔ سیاسی[2] مفهومی تازه در فرهنگ سیاسی کشور مـا محسـوب مـی‌شـود و خاسـتگاه غربی دارد و واژه‌ای جامعه‌شناختی است. مکاتب غربی مفهوم توسعهٔ سیاسـی و فرآینـد آن را به‌عنوان راهکاری برای عبور از عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه در کشورهای توسعه‌نیافتـه ـ کشورهای جهان سوم ـ ارئه کردند (سو، ۱۳۷۸، ص. ۳۰). توسعهٔ سیاسی مفهوم ثـابتی نـدارد؛ عده‌ای توسعه را تنها یک تحول مربوط به دنیای غرب می‌دانند که از آنجا ریشه گرفتـه اسـت. بنابراین آن را الگوی مناسبی برای رهایی همهٔ جوامع از فقـر و مشـکلات نمـی‌داننـد. عـده‌ای دیگر توسعه را شرط بقای جامعه و حفظ اسـتقلال آن مـی‌داننـد. عـده‌ای نیـز اولویـت را بـه

1. Gemeinschaft
2. Political development

ارزش‌ها و ایدئولوژی و عدالت اجتماعی داده و به دنبال آن توسعه را طرح می‌کنند و آن را برای خدمت به استقلال جامعه ضروری می‌دانند (نظری، بشیری‌گیوی و جنتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸). نظریه‌پردازان توسعهٔ سیاسی افزایش قدرت و توان و کارآیی حکومت را مهم‌ترین عامل برای توسعهٔ سیاسی قلمداد کرده‌اند. به‌عنوان نمونه هانتینگتون در کتاب نظم سیاسی[1] در جوامع در حال تغییر استدلال می‌کند که میزان قدرت در جوامعی افزایش می‌یابد که در حکومت متمرکز گردد: «جوامع از هم پاشیده نمی‌تواند بدون قدرت متمرکز به حیات خود ادامه دهند» (هانتینگتون، ۱۹۸۹، ص. ۱۲۵). به عبارتی «نخستین گام در توسعه سیاسی را افزایش و تمرکز منابع قدرت در دست حکومت به منظور حفظ نظم و نهادهای سیاسی موجود است»(هانتینگتون، ۱۹۸۹، ص. ۱۲۵). بنابراین به نظر او باید قدرت حکومت گسترش یابد و رقابت و مشارکت سیاسی محدود گردد (بشریه، ۱۳۸۰، ص. ٢٤). لوسین پای[2] افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختارها می‌داند و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمهٔ توسعهٔ سیاسی معرفی می‌کند. پای، معتقد است که برای تحقق توسعهٔ مطلوب، نظام سیاسی باید از سلسله‌بحران‌هایی مانند بحران هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع موفقیت‌آمیز عبور کند (پای، ١٩٦٦، ص. ۳۹-٤۰). آلومند و پاول نیز، از لحاظ رفتاری و مصلحت‌گرایی، ارجح بودن فعالیت‌های دسته‌جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی، روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را معیارهایی برای توسعهٔ سیاسی می‌دانند و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فردی تأکید دارند (الموند و وربا، ١٩٦٨، ص. ١٦-١٧).

بنابراین، شکل‌گیری و ساخت فرآیندی به نام توسعهٔ سیاسی، مستلزم تغیرات اجتماعی بلند مدتی است که طی آن نظام تقسیمات کار، قشربندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دستخوش تحول واقع می‌شود که در تکوین آن، عامل سیاسی و اجتماعی، منافع گروه‌ها، اقشار و طبقات و گرایش آن‌ها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. بر این بنیاد می‌توان گفت توسعهٔ سیاسی ماهیتی برآیندی (منتجه) دارد و تکوین آن در هر جامعه‌ای، تاریخ خاص خود را دارد

1. Political Order in Changing Societies
2. Lucian W Pye

(احمدی‌پور، صادقی و تیموری، ۱۳۹٤، ص. ۸۷). به‌طور کلی شاخص‌ها و مصـادیقی کـه بـرای توسعۀ سیاسی می‌توان مطرح کرد عبارتند از: پلورالیسـم، اسـتقلال قـوای سـه‌گانـه، برگـزاری انتخابات آزاد در سطوح مختلف با فقدان محدودیت‌هـا و موانـع در رفتـار انتخابـاتی، توزیـع قدرت میان نخبگان سیاسی، تخصصی‌شدن امور، وجود ساختارهای رسمی غیر حکومتی نظیـر NGO، پیش‌بینی‌پذیر بودن، اعتماد و مشروعیت دولت. بر اساس مؤلفـه‌هـای مـذکور توسـعۀ سیاسی و طایفه‌گرایی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کنند و می‌تـوان گفـت گـرایش‌هـای طایفه‌ای منجر به از بین رفتن شاخص‌های توسعۀ سیاسی و شایسته‌سالاری می‌شود.

٤. ۳. انتخــابـات: عرصۀ نمود عینی رفتار سیاسی طایفه‌گرایی

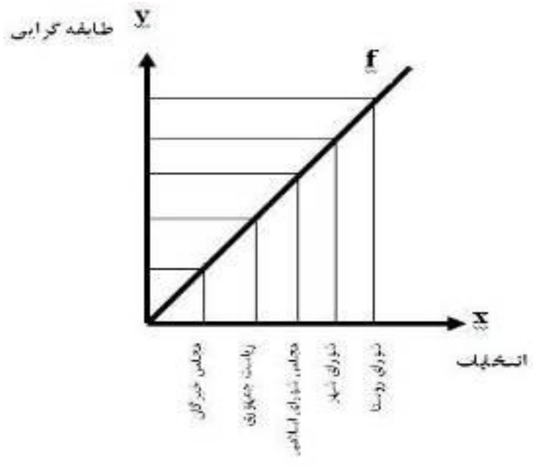
آشکارترین حلقۀ پیونـد مشـارکت و مشـروعیت، انتخابـات[1] (منصـفانه و عادلانـه) اسـت. انتخابات پدیده‌ای اجتمـاعی و فرهنگـی بـا برونـدادی سیاسـی و شـیوۀ دموکراتیـک گـزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سـالار اسـت (کاویـانی‌راد، ۱۳۹۲، ص. ۲۹). در عین حال، واسطه‌ای میان حزب و سیاست اسـت و آنچـه از صـندوق‌هـای رأی بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی جامعه است (دارابی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰). فرآیند انتقـال قـدرت از مردم به حکومت با انتخابات صورت می‌گیرد. به عبـارتی، دموکراسـی و انتخابـات بهتـرین وسیله برای عملی‌کردن اثرگذاری ارادۀ ملت بر حکومت در اداره سرزمین اسـت (مجتهـدزاده، ۱۳۹۰، ص. ۳۸). تبیین تئوری انتخابات با دو شیوۀ دموکراسی مسـتقیم و غیرمسـتقیم صـورت می‌گیرد (داورپناه، ۲۰۰٦، ص. ۵۲). در دموکراسی مسـتقیم یـا مشـارکتی، تصـمیمات بـه‌طـور جمعی به‌وسیلۀ افراد ذی‌ربط گرفته می‌شود. ولی در دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی، مـردم به‌طور غیرمستقیم به واسطه نمایندگان مورد اعتمـاد خـود بـر ادارۀ دولـت نظـارت دارنـد. در دموکراسی‌های نمایندگی، احزاب نقش حیاتی دارند؛ زیرا ارادۀ مردم را ساماندهی و به‌صـورت مجرای ارتباطی عمل می‌کنند (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸، ص. ۲۲٦).

در رابطۀ میان انتخابات و توسعۀ سیاسی این نکته حائز اهمیت است که انتخابـات اگرچـه یکی از شاخص‌های توسعۀ سیاسی است اما مولفـۀ مطلقـی بـه شـمار نمـی‌رود و دلیـل آن را می‌توان در برگزاری انتخابات تک‌حزبی، نیمه رقابتی و کنترل شده و کانـالیزه کـردن تـوده در جهت حمایت از یک نامزد خاص در رژیم‌های توتـالی‌تـر نظیـر اروپـای شـرقی، کشـورهای

1. Election

جهان‌سوم و شوروی سابق جستجو کرد (حجاریان،۱۳۷۹:۱۵۳). علی‌رغم این امر، انتخابات یکی از محورهای سیر گذار از سنت به مدرنیسم و دستیابی به کانال‌های قدرت از طریق مسالمت‌آمیز و قانونی محسوب می‌گردد.

نگرش‌های محلی و طایفه‌ای در شهرستان ممسنی علی‌رغم افزایش میزان مشارکت سیاسی ساکنان در میکانیسمی همچون انتخابات (مجلس شورای اسلامی) منجر به اختلاف و درگیری میان طوایف، زورآزمایی خیابانی و نهایتاً ضعف توسعهٔ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهرستان گردیده است که در نتیجه آن نارضایتی شهروندان نسبت به مسئولان و نمایندگان شهرستان را به همراه داشته است؛ هرچند که نمی‌توان محرک‌های بیرونی طایفه‌گرایی و نگاه مسئولان در سطح کلان نظام را نسبت به این گرایش نادیده انگاشت چراکه پایداری نظام طایفه‌گرایی به‌رغم افزایش میزان مشارکت سیاسی رأی‌دهندگان در انتخابات، منجر به تضعیف درونی طوایف، افزایش اختلاف‌های قومی‌طایفه‌ای و توسعهٔ خصومت و کدورت بین طوایف و در نهایت به توسعه‌نیافتگی سیاسی منجر شده است (شکل ۲).



شکل۲: رابطهٔ طایفه‌گرایی و انتخابات

طبق نمودار هرچه از انتخابات در مقیاس کلان (مجلس خبرگان و ریاست جمهوری) به سمت انتخابات در مقیاس محلی حرکت شود، مشخص می‌شود که تأثیرگذاری انتخابات بر توده در نظام طایفه‌ای افزایش می‌یابد و به تبع آن حساسیت انتخابات نیز افزایش می‌یابد که از

طریق دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی قابل تحلیل است. بر بنیـاد نظریـهٔ توسـعهٔ نـامتوازن[1] یـک بخش از کشور، استان یا شهرستان به عنوان کـانون[2] بـه سـمت رشـد و توسـعهٔ اقتصـادی در حرکت است، اما نواحی جغرافیایی پیرامونی ایستا هستند و پویایی خاصـی در آن‌هـا مشـاهده نمی‌شود. با توجه به این نظریه در نظام طایفه‌گرایی، طایفه‌ای که قـدرت سیاسـی را در اختیـار دارد نه‌تنها به سایر طوایف بلکه به تیره‌های طایفه خود نیز توجه نمـی‌کنـد و تنهـا منـاطقی را ساماندهی و حمایت اقتصادی می‌نماید که در جریان انتخابات بیشترین میـزان حمایـت را بـه وی اعطا نموده‌اند. در این مدل همچنین یک «خانواده» یا «ام‌القری» شکل می‌گیرد که تنها ایـن بخش بیشترین میزان بودجه را به خود اختصاص می‌دهد و مناطق دیگر زیر چـرخ دنـده‌هـای نظام طایفه‌گرایی نابود می‌شوند و فرآیند بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعهٔ نـامتوازن آنقـدر ادامـه می‌یابد که رشد و توسعهٔ دیگر مناطق تقریباً به صفر و حتی منفی می‌رسد. در ایـن چـارچوب مفهوم محورـحاشیه نیز در بررسی تنش‌ها و نابرابری‌های ناشی از تنوع جغرافیایی، فرهنگـی و اقتصادی درون‌کشوری به‌کار می‌رود که بر اساس آن عوامل سلطه و بهره‌کشی در رابطـهٔ میـان محور و حاشیه از اجزای ذاتی این مفهوم هستند (موير، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۸).

٤. ٤. مؤلفـه‌هـای تعییـن‌کننـدهٔ منافـع طایفـه‌ای در رفتار انتخاباتی

عوامـل موثـر بر رادیکـالیسـم گرایـش‌هـای طایفـه‌ای در انتخـابـات را می‌توان در قالـب عملکرد نخبگان علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی مورد تحلیـل قـرار داد. زیرا گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های طایفه‌گرایی هر ک از ایـن گـروه‌هـای نخبگـی مـی‌توانـد در تشدید رفتارهای رادیکالیسم طایفه‌ای مؤثر باشـد. امـا بـه طـور کلـی عمـل طایفـه‌گرایـی در انتخابات را می‌توان بر اساس چهار معیار کلیدی مورد تحلیل قرار داد:

الف) **عقلانی و معقول بودن**: عقلانی‌بودن مفهومی است که وبر برای اشـاره بـه فرآینـدی به‌کار برده که به‌وسیلهٔ آن شیوه‌های محاسبهٔ دقیـق و سـازماندهی، شـامل قواعـد و روش‌هـای انتزاعی به‌طور فزاینده بر زندگی حاکم می‌شـود. در بررسـی ایـن پدیـده شـاخص‌هـایی نظیـر حساب سود و زیان مسائل مختلف، میزان اندیشهٔ افراد قبل از انجام یک عمل خاص و میـزان

1. Unbalanced development
2. Core

تقدیرگرایی افراد قبل از وقوع یک عمل خاص بسیار تاثیرگذارند (مقدس و حیدری، ۱۳۸۷، ص. ١٦٣).

ب) **رابطهٔ اجتماعی باز**: این نوع رابطه به نوع و دایرهٔ تماس‌های اجتماعی و فیزیکی افراد و گروه‌های قومی با یکدیگر مربوط می‌شود. بر این اساس می‌توان نوع روابط اجتماعی افراد یک قوم با دیگران غیر هم قوم را به‌ترتیب اولویت و اهمیت که شامل آشنایی، دوستی، ازدواج و همسایگی هستند مشخص کرد (بردی[1]، ۲۰۰۰، ص. ۱۱).

ج) **اعتماد داشتن**: اعتماد ابراز اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد است که معمولاً مشکل بی‌اطلاعی یا ضعف در سواد سیاسی را برطرف می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۳۳۳). در اینجا بحث اعتماد میان طوایف و مردمان طوایف بسیار حائز اهمیت است.

د) **صراحت**: صریح بودن به معنای سهیم‌کردن دیگران در اطلاعات، ایده‌ها، افکار، احساسات و عکس‌العمل‌ها نسبت به موضوع بحث است (مقدس و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ١٦٤).

در خصوص عقلانی و معقول بودن، شهرستان ممسنی و شهروندان ساکن در آن، تلاش می‌نمایند تا در حد امکان و توانایی خود اصول عُقلایی و محاسبهٔ دقیق را در برخورد با قضایا در پیش بگیرند اما در عین حال در شرایط انتخاباتی به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی نوعی تقدیرگرایی و عمل براساس آیین پدرسالاری مبنای کار آن‌ها قرار می‌گیرد و عقلانیت وبری جای خود را به عصبیت طایفه‌ای مورد تأکید ابن خلدون می‌دهد. متغیر رابطهٔ اجتماعی باز در ممسنی امری نسبی است و با توجه به شخصیت، روحیه و نوع نگرش افراد متفاوت است. متغیر اعتماد داشتن به‌صورت فوق‌العاده‌ای در روابط میان طوایف نقش دارد، به‌گونه‌ای که اعتمادسازی در میان طوایف به‌ویژه در هنگام انتخابات و پس از انتخابات می‌تواند به ایجاد رضایت در میان آن‌ها و نمایندگان و در نتیجه حرکت به‌سوی توسعهٔ سیاسی منجر شود.

با توجه به اینکه بسیاری از خشونت‌های طایفه‌ای به ضعف وجود اعتماد میان طوایف مغلوب و احساس بیگانگی با نمایندگان بر می‌گردد، متغیر اعتمادسازی می‌تواند در کنترل بحران بسیار کارامد واقع گردد. متغیر صراحت مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل در رابطهٔ

1. Brady

میان مصالح طایفه‌ای و مصالح عام است. صراحت در کلام و گفتار مردم طوایف و کاندیدا در زمان انتخابات در خصوص رعایت مصالح همگانی، تأمین خیر عمومی و تلاش بـرای توسـعهٔ سیاسی و اقتصادی گام مهمی در فرآیند دموکراتیکسازی ممسنی به‌شمار می‌رود. به‌طـور کلـی مردم این شهرستان در سه متغیر «رابطهٔ اجتماعی باز»، «صراحت» و «عقلانـی‌بـودن» از تـوانش بالایی برای کاهش پدیده طایفه‌گرایی و در نظر گرفتن منافع و مصالح عام برخوردارند.

۵. یافته‌های پژوهش

در این مطالعه با توجه به مسئلهٔ تحقیق وضعیت دو شاخص اصلی طایفه‌گرایـی و توسـعهٔ سیاسی در شهرستان ممسنی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بـرای مطالعـهٔ شـدت طایفه‌گرایی از متغیرهای متعددی استفاده شد که بررسی تفـاوت‌هـای میـانگینی میـان متغیرهـا گویایِ میزان و شدت طایفه‌گرایی در بـین طوایـف مختلـف در منطقـهٔ مـورد مطالعـه اسـت، به‌طوری‌که با توجه به سطح معناداری کمتر از آلفا ۰/۰۵ به‌دست آمده مشخص می‌شود کـه در هر ۱۱ متغیر مستقیم مرتبط با طایفه‌گرایی، طایفه‌های قوم لُر و تُرک ممسنی نشانه‌های قـوی از طایفه‌گرایی وجـود دارد (جـدول ۲). همچنـین بـه‌لحـاظ عمـل در انتخابـات در طوایـف کـه نشان‌دهندهٔ جنبه‌ای از توسعهٔ سیاسی اسـت، از ۹ متغیـر مـرتبط بـا رفتـار سیاسـی در فرآینـد انتخابات برای مقایسهٔ نظرات طوایف در دو قوم لر و ترک قشقایی ممسنی استفاده شد. نتـایج به‌دست‌آمده از آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که در همهٔ متغیر سطح معناداری همسـو بـا عمل بر اساس طایفه‌گرایی در فرآیند رفتار انتخاباتی است، به‌نحوی‌که طایفه محور اساسـی در تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی بین طوایف در حوزهٔ انتخابیه است کـه ایـن عمـل تضـعیف‌کننـدهٔ مفهوم و اندیشهٔ توسعهٔ سیاسی است. هرچند که این فرآیندها در بین هر دو قـوم اصـلی لُـر و ترک قشقایی منطقه مشاهده می‌شود اما باید گفت که شدت آن در بین طوایف قـوم لـر بیشـتر است. به گونه‌ای که در بین طوایف ترک قشقایی، نشانه‌هایی از پایین بـودم تعلقـات طایفـه‌ای در رفتار سیاسی انتخاباتی مشاهده می‌شود؛ تمایل به رأی دادن به نامزدهایی از طوایف دیگر یا رأی‌دهی به نامزدها بدون توجه به مقام و منصب از آن جمله‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. تفاوت میانگین متغیرهای طایفه‌گرایی در بین طایفه‌های قوم لُر و ترک قشقایی نورآباد ممسنی

طایفـه‌گرایـی	طایفه‌های قوم لر نورآباد ممسنی					
	مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵					
	آمارهٔ آزمون t	درجهٔ آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵درصد	
					پایین‌تر	بالاتر
شرکت در حرکت‌های اعتراضی طایفه	-۲.۴۰۴	۴۹	.۰۲۰	-.۵۰۰۰۰	-.۹۱۸۰	-.۰۸۲۰
عمل نکردن بر خلاف عقاید طایفه	۲.۵۶۵	۴۹	.۰۱۳	.۴۲۰۰۰	.۰۹۱۰	.۷۴۹۰
اعتقاد به برتری طایفه‌ای در حل مسائل شهر	۲.۰۱۵	۴۹	.۰۴۹	.۴۰۰۰۰	.۰۰۱۲	.۷۹۸۸
نقش طایفه در حل مسائل محلی	۲.۵۰۰	۴۹	.۰۱۶	.۵۰۰۰۰	.۰۹۸۱	.۹۰۱۹
اعتقاد به برتری طایفه‌ای	۳.۸۸۰	۴۹	.۰۰۰	.۷۴۰۰۰	.۳۵۶۷	۱.۱۲۳۳
عدم تمایل به روابط قومی با سایر طوایف	۳.۷۷۹	۴۹	.۰۰۰	.۶۶۰۰۰	.۳۰۹۱	۱.۰۱۰۹
تأکید نخبگان سیاسی بر ارزش‌های طایفه‌ای	۶.۰۱۴	۴۹	.۰۰۰	.۹۶۰۰۰	.۶۳۹۲	۱.۲۸۰۸
وجود رقابت با طوایف دیگر	۸.۰۳۱	۴۹	.۰۰۰	.۹۸۰۰۰	.۷۳۴۸	۱.۲۲۵۲
تأکید بزرگان و ریش سفیدان بر ارزش‌های طایفه‌ای	۳.۵۸۵	۴۹	.۰۰۱	.۶۲۰۰۰	.۲۷۲۵	.۹۶۷۵
عدم اهمیت وحدت بین طوایف در توسعهٔ شهرستان	۶.۵۴۴	۴۹	.۰۰۰	۱.۳۴۰۰۰	.۹۲۸۵	۱.۷۵۱۵
عدم توجه به تعالی و پیشرفت سایر طوایف	۱۰.۹۳۰	۴۹	.۰۰۰	۱.۶۰۰۰۰	۱.۳۰۵۸	۱.۸۹۴۲
شرکت در حرکت‌های اعتراضی طایفه	-۲.۲۶۱	۴۹	.۰۲۰	-.۴۴۰۰۰	-.۸۳۱۱	-.۰۴۸۹
عمل نکردن بر خلاف عقاید طایفه	۱.۳۱۷	۴۹	.۰۱۳	.۲۰۰۰۰	-.۱۰۵۲	.۵۰۵۲
اعتقد به برتری طایفه‌ای در حل مسائل شهر	۲.۷۴۴	۴۹	.۰۴۹	.۴۸۰۰۰	.۱۲۸۴	.۸۳۱۶
نقش طایفه در حل مسائل محلی	-.۲۳۰	۴۹	.۰۱۶	-.۰۴۰۰۰	-.۳۹۰۲	.۳۱۰۲
اعتقاد به برتری طایفه‌ای	۱.۵۳۹	۴۹	.۰۰۰	.۲۴۰۰۰	-.۰۷۳۵	.۵۵۳۵
عدم تمایل به روابط طایفه‌ای با سایر طوایف	۳.۷۷۹	۴۹	.۰۰۰	.۶۶۰۰۰	.۳۰۹۱	۱.۰۱۰۹
تأکید نخبگان سیاسی بر ارزش‌های طایفه‌ای	۲.۶۴۷	۴۹	.۰۰۰	.۴۲۰۰۰	.۱۰۱۱	.۷۳۸۹
وجود رقابت با طوایف دیگر	۴.۲۰۴	۴۹	.۰۰۰	.۶۲۰۰۰	.۳۲۳۷	.۹۱۶۳
تأکید بزرگان و ریش‌سفیدان بر ارزش‌های طایفه‌ای	۲.۲۰۷	۴۹	.۰۰۱	.۴۰۰۰۰	.۰۳۵۷	.۷۶۴۳
عدم اهمیت وحدت بین طوایف در توسعهٔ شهرستان	۵.۱۴۵	۴۹	.۰۰۰	۱.۱۸۰۰۰	.۷۱۹۱	۱.۶۴۰۹
عدم توجه به تعالی و پیشرفت سایر طوایف	۳.۷۳۳	۴۹	.۰۰۰	.۸۰۰۰۰	.۳۶۹۴	۱.۲۳۰۶

جدول ۲. تفاوت میانگین متغیرهای رفتار توسعۀ سیاسی طایفه‌های قوم لر و ترک قشقایی نورآباد ممسنی در انتخابات

رفتار توسعۀ سیاسی طوایف در انتخابات	طایفه‌های قوم لر نورآباد ممسنی مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵					
	آمارۀ آزمون t	درجۀ آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵ درصد: پایین تر	فاصله اطمینان ۹۵ درصد: بالاتر
اولویت رأی‌دادن بر اساس نمایندۀ طایفه	۳.۱۶۳	۴۹	.۰۰۳	.۵۶۰۰۰	.۲۰۴۲	.۹۱۵۸
تعهد نماینده به طایفۀ خود	۳.۲۰۵	۴۹	.۰۰۲	.۵۶۰۰۰	.۲۰۸۸	.۹۱۱۲
میزان عدم رأی دادن به نامزد طوایف دیگر	۴.۳۱۴	۴۹	.۰۰۰	.۷۸۰۰۰	.۴۱۶۷	۱.۱۴۳۳
میزان پایبندی به احزاب طایفۀ خود	۲.۲۰۷	۴۹	.۰۳۲	.۴۰۰۰۰	.۰۳۵۷	.۷۶۴۳
وابستگی بالا به طایفه در انتخابات	۳.۵۹۲	۴۹	.۰۰۱	.۶۶۰۰۰	.۲۹۰۷	۱.۰۲۹۳
عدم توجه به طایفه نامزدها در انتخابات	.۸۷۹	۴۹	.۳۸۴	.۱۶۰۰۰	-.۲۰۵۹	.۵۲۵۹
امکان عدم مشارکت در انتخابات در صورت عدم حضور نمایندۀ طایفه	۴.۹۱۹	۴۹	.۰۰۰	.۹۰۰۰۰	.۵۳۲۴	۱.۲۶۷۶
تأثیر بالای تبلیغات ملی در شرکت افراد طایفه در انتخابات	۴.۵۰۸	۴۹	.۰۰۰	.۷۶۰۰۰	.۴۲۱۲	۱.۰۹۸۸
رأی‌دهی به نامزدها بر اساس مقام و منصب	۲.۶۸۵	۴۹	.۰۱۰	.۴۶۰۰۰	.۱۱۵۷	.۸۰۴۳
اولویت رأی دادن بر اساس نمایندۀ طایفه	۳.۸۷۷	۴۹	.۰۰۰	.۶۸۰۰۰	.۳۲۷۵	۱.۰۳۲۵
تعهد نماینده به طایفه خود	۳.۷۳۳	۴۹	.۰۰۰	.۶۴۰۰۰	.۲۹۵۵	.۹۸۴۵
میزان عدم رأی دادن به نامزد طوایف دیگر	۱.۸۹۷	۴۹	.۰۶۴	.۳۴۰۰۰	-.۰۲۰۲	.۷۰۰۲
میزان پایبندی به احزاب طایفۀ خود	۳.۵۶۰	۴۹	.۰۰۱	.۶۸۰۰۰	.۲۹۶۲	۱.۰۶۳۸
وابستگی بالا به طایفه در انتخابات	۱.۹۲۷	۴۹	.۰۶۰	.۳۸۰۰۰	-.۰۱۶۳	.۷۷۶۳
عدم توجه به طایفه نامزدها در انتخابات	۱.۵۲۵	۴۹	.۱۳۴	.۲۸۰۰۰	-.۰۸۸۹	.۶۴۸۹
امکان عدم مشارکت در انتخابات درصورت عدم حضور نمایندۀ طایفه	۳.۴۳۰	۴۹	.۰۰۱	.۶۶۰۰۰	.۲۷۳۳	۱.۰۴۶۷
تأثیر بالای تبلیغات ملی در شرکت افراد طایفه در انتخابات	۲.۳۷۵	۴۹	.۰۲۲	.۴۶۰۰۰	.۰۷۰۸	.۸۴۹۲
رأی‌دهی به نامزدها بر اساس مقام و منصب	۱.۸۸۸	۴۹	.۰۶۵	.۳۸۰۰۰	-.۰۲۴۵	.۷۸۴۵

برای مقایسهٔ میانگین شدت طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در بین طایفه‌های دو قـوم لر و ترک قشقایی در ممسنی از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمـده در بـین طایفه‌های قوم لر نشان داد که هم به‌لحاظ طایفه‌گرایی و هم به‌لحاظ توسـعه‌نیـافتگی سیاسـی، مقدار میانگین‌ها بالاتر از حد مطلـوب ۲/۵ در قالـب طیـف لیکـرت بـوده و سـطح معنـاداری به‌دست‌آمده نیز صفر است. بنابراین می‌توان گفت که بـین طایفـه‌هـای قـوم لُـر گـرایش‌هـای طایفه‌ای وجود داشته و به‌واسطهٔ آن نیز توسعه‌نیافتگی سیاسی را می‌توان مشاهده کرد (جـدول ۳).

جدول۳. تفاوت میانگین‌های طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در بین طایفه‌های قوم لُر

قوم لر	مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵					
	آمارهٔ آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵درصد	
					پایین‌تر	بالاتر
طایفه‌گرایی	۳۴.۶۲۶	۴۹	.۰۰۰	۳۶.۱۸۰۰۰	۳۴.۰۸۰۲	۳۸.۲۷۹۸
توسعه‌نیافتگی سیاسی	۴۶.۸۵۴	۴۹	.۰۰۰	۱۰۱.۰۰۰۰۰	۹۶.۶۶۸۱	۱۰۵.۳۳۱۹

همچنین نتایج به‌دست‌آمده در بین طایفه‌های قوم ترک قشقایی نشان داد که هـم بـه‌لحـاظ طایفه‌گرایی و هم به‌لحاظ توسعه‌نیافتگی سیاسی، مقدار میانگین‌ها بالاتر از حد مطلوب ۲/۵ در قالب طیف لیکرت بوده و سطح معناداری به‌دست‌آمده نیز صفر است. بنابراین می‌تـوان گفـت که بین طایفه‌های قوم ترک قشقایی وابستگی‌های طایفه‌ای وجـود داشـته و بـه‌واسـطهٔ آن نیـز توسعه‌نیافتگی سیاسی را می‌توان مشاهده کرد (جدول ٤).

جدول٤. تفاوت میانگین‌های طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در بین طایفه‌های قوم قشقایی

قوم ترک قشقایی	مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵					
	آمارهٔ آزمون t	درجهٔ آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵درصد	
					پایین تر	بالاتر
طایفه‌گرایی	۲۷.۷۰۹	۴۹	.۰۰۰	۳۲.۹۰۰۰۰	۳۰.۵۱۳۹	۳۵.۲۸۶۱
توسعه‌نیافتگی سیاسی	۴۵.۰۶۸	۴۹	.۰۰۰	۱۰۲.۳۸۰۰۰	۹۷.۸۱۴۹	۱۰۶.۹۴۵۱

برای مقایسۀ تفاوت طایفه‌گرایی و شدت توسعه‌نیافتگی سیاسی از آزمون یومن ـ وایت‌نـی استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر آن است که بین طوایف اقوام لر و ترک قشقایی منطقـه از لحاظ شاخص طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی به‌لحاظ میانگین‌ها تفـاوت وجـود دارد، به‌طوری‌که می‌توان گفت جستار طایفه‌گرایی با میانگین ٥٦/١٦ در قوم لر بیشـتر از قـوم تـرک قشقایی با میانگین ٤٤/٨٤ در میان نمونه‌های مورد مطالعۀ شهرستان ممسنی است. همچنـین از نظر سطح میانگینی توسعه‌نیافتگی سیاسی نیز بـین طوایـف اقـوام لـر و تـرک قشـقایی منطقـه تفاوت وجود دارد؛ به‌نحوی‌که می‌توان گفت شاخص توسعه‌نیافتگی سیاسی با میـانگین ٥١/٧٣ در قوم لر بیشتر از قوم ترک قشقایی با میانگین ٤٩/٢٧ در میان نمونه‌های مورد مطالعـۀ منطقـه است (جدول ٥).

جدول ٥. تفاوت بین قومیت‌ها از لحاظ طایفه‌گرایی (Mann-Whitney Test)

		تعداد	میانگین رتبه‌ها	جمع رتبه‌ها
طایفه‌گرایی	لر	۵۰	۵۶.۱۶	۲۸۰۸.۰۰
	ترک قشقایی	۵۰	۴۴.۸۴	۲۲۴۲.۰۰
	مجموع	۱۰۰	–	–
توسعه‌نیافتگی سیاسی	لر	۵۰	۵۱.۷۳	۲۴۶۳.۵۰
	ترک قشقایی	۵۰	۴۹.۲۷	۲۵۸۶.۵۰
	مجموع	۱۰۰	–	–

بنابراین، از آنجـایی‌کـه الگـوی مسـلط فرهنـگ سیاسـی در شهرسـتان ممسـنی کـارکردی طایفه‌محور دارد بخش عُمده‌ای از پایگاه رأی‌آوری نمایندگان این شهرستان بیش از آنکه تابع فرآیند کلان دموکراسی باشد، بیشـتر تـابع بازتولیـد همـاوردی‌هـای سـنتی طایفـه‌ای اسـت و ساکنانش روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کننـد. از این رو می‌توان نورآباد ممسنی را جزء «شهـرهـای طایفـه‌ای»[1] نامید. در این شهرها، با توجـه به ساختار ایلی‌عشایری می‌توان از روی نام خانوادگی افراد به‌آسانی طایفۀ آن‌ها را بازشـناخت. به‌نظر می‌رسد بازنمایی چنـین مناسـبات و شاخصـه‌هـای پیشـامدرن و سُـنتی در فرآینـدهای

1. Tribal towns

اجتماعی‌سیاسی چنین شهرهایی، در تعیین کُنش‌های سیاسی افراد اثرگذار است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۲).

خویشاوندی و احساس تعلق به طایفه که خود دارای پیامدهای فراوان بر رفتار سیاسی رأی‌دهنگان است، موجب گردیده که صحنهٔ رقابت‌های انتخاباتی شهرستان ممسنی تبدیل به کشمکش‌های طایفه‌ای گردد. همچنین ضعف اقتصادی حوزهٔ انتخاباتی ممسنی باعث شده تا اعضای هر قلمرو و طایفه تلاش نمایند به هر نحو ممکن به یکی از افراد طایفهٔ خود کمک کنند و مانع از به قدرت رسیدن کاندیدای دیگر قلمرو جغرافیایی شوند؛ چراکه تلقی آنان از مجموعه‌های غیرخودی و خارج از طایفه و زیستگاه خود این است که اگر به قدرت سیاسی (کرسی مجلس) دست پیدا کنند نتایج مخرب سیاسی و توسعه‌نیافتگی اقتصادی را برای آن‌ها به همراه خواهد داشت. بدیهی است که این رقابت‌ها زمینهٔ پراکندگی اجتماعی‌سیاسی را در شهرستان فراهم آورده است؛ به‌طوری‌که هر یک از طوایف و نواحی جغرافیایی مشخص تلاش می‌کنند با دستیابی به موقعیت‌های مهم اجتماعی و سیاسی که با حمایت همه اعضای طایفه از یک نفر حاصل می‌شود به رقابت با یکدیگر به پردازند. این شرایط عموماً در انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌خوبی آشکار می‌گردد. رفتارشناسی افراد در روند انتخابات نشان می‌دهد افرا در بستر سیاسی‌جغرافیایی بر پایهٔ طایفه، خود را تعریف می‌کنند و هر طایفه و هر حوزهٔ انتخاباتی از نامزدی حمایت می‌کنند که «خودی» یا به‌عبارتی از اعضای طایفه و منطقهٔ مورد نظرشان باشد. همچنین با توجه به سطح معناداری بالاتر از سطح ۰/۰۵ بین اقوام، طایفه‌گرایی وجود دارد که میزان آن از طریق میانگین‌ها گویای شدت طایفه‌گرایی در بین اقوام لر است. از سوی دیگر با توجه به سطح معناداری بالاتر از سطح ۰/۰۵ بین اقوام، توسعه‌نیافتگی سیاسی وجود دارد که میزان آن از طریق میانگین‌ها گویای شدت توسعه نیافتگی سیاسی در بین اقوام لر است (جدول ٦).

جدول ٦. سطح معناداری وجود تفاوت بین طایفه‌های اقوام لر و ترک قشقایی نورآباد ممسنی

	طایفه‌گرایی	توسعه‌نیافتگی سیاسی
Mann-Whitney U	967.000	1188.500
Wilcoxon W	2242.000	2463.500
Z	-1.953	-.424
Asymp. Sig. (2-tailed)	.051	.671
a. Grouping Variable: Ethnicity		

در ادامه برای مشخص کردن وجود رابطه میان طایفه‌گرایـی و توسـعه‌نیـافتگی سیاسـی، از آزمون همبسـتگی استفاده شد. نتایج نشان داد که با توجه به مقدار ضریب همبسـتگی (۰/٤٤۹) به دست آمده و اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می‌تـوان گفـت کـه بـین دو متغیـر طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی، همبستگی وجود دارد و این همبستگی و رابطه به‌صورت مستقیم و ناقص است. این موضوع نشان‌دهندۀ این است که توسـعه‌نیـافتگی سیاسـی متـأثر از طایفه‌گرایی است و یا اینکه می‌تواند توسعه‌نیافتگی سیاسی متأثر از طایفه‌گرایی باشـد (جـدول ۷).

جدول۷. همبستگی بین تأثیرگذاری طایفه‌گرایی در توسعه‌نیافتگی سیاسی

		طایفه‌گرایی	توسعه نیافتگی سیاسی
طایفه‌گرایی	Correlation Coefficient	1.000	.449**
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	تعداد	100	100
توسعه‌نیافتگی سیاسی	Correlation Coefficient	.449**	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	تعداد	100	100
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			

با توجه به نتایج به دست آمده در مراحل مختلف می‌توان بیان کرد که طایفه‌گرایـی شـدید در فرآیند انتخابات در شهرستان ممسنی می‌توانـد بـه عنـوان یکـی از عوامـل کلیـدی توسـعه نیافتگی سیاسی در نظر گرفته شده و دامن زدن به آن می‌تواند در افـزایش و تشـدید آن مـوثر باشد. زیرا یافته‌ها گویای این نکته است که در بین طوایف ممسـنی معیـار گـزینش نامزدهـای مجلس شورای اسلامی، احساسات و عواطف و مسائلی نظیر نسب، زادگاه و طایفه است. ایـن عامل نشان می‌دهد که جامعۀ طایفه‌ای ممسنی در مرحله جمین شافت قرار دارد. امـا از طـرف دیگر وجود نهادهای مدرن و رفتار عُقلایی افراد در انتخابات ریاست جمهوری ایـن جامعـه را در مرحلۀ گزل شافت قرار می‌دهد. چنین می‌توان نتیجه گرفت کـه وجـود نهادهـای مـدرن و سنتی در کنار هم بیانگر این است که جامعۀ طایفه‌ای ممسنی بر بنیاد تفکر فردینان تـونیس در مرحله گُذار از جمین شافت به گزل شافت قـرار دارد کـه از طریـق تقویـت فرهنـگ سیاسـی

وحدت‌گرایی می‌توان از شدت طایفه‌گرایی که به‌عنوان یکی از عوامل بنیادین توسعه‌نیافتگی سیاسی است، کاسته شود.

البته باید توجه داشت که عوامل متعدد دیگر به‌عنوان عوامل پیشین یا بسترساز در تشدید طایفه‌گرایی و در نهایت توسعه‌نیافتگی سیاسی در شهرستان ممسنی مؤثر است که در برنامه‌ریزی‌ها برای مدیریت رفتار طایفه‌گرایی نیازمند توجه است (عبداللهی، ١٣٨٦، ص. ٣١–٣٥؛ صیدایی، ١٣٧٧، ص. ٩٠):

الف) موانع تاریخی: زندگی مبتنی بر دامداری سنتی توأم با کوچندگی و چادرنشینی عشایر، نیازمند جنگل‌ها، مراتع و سرحدات امن در مناطق ییلاق و قشلاق بوده است. تلاش سران ایل برای حفظ و گسترش قلمروهای ایلی خود زمینه‌ساز تهاجمات و جنگ‌های عدیدی بوده که مانع از استقرار امنیت لازم برای توسعه شده است. در ممسنی درگیری‌ها و کشمکش‌های مداوم طوایف با یکدیگر به ویژه در زمان انتخابات به عمیق‌تر شدن بحران امنیت انجامیده است.

ب) موانع تکنولوژیک: زندگی عشایری و طایفه‌ای یکی از اشکال اولیهٔ تطابق انسان با محیط است. در چنین جوامعی توجه به علم و فناوری ضعیف‌تر است و تکامل علم و تکنولوژی با حفظ ماهیت و مختصات نظام ایلی غالب بر جامعهٔ عشایری عملی مشکل‌تر خواهد بود؛ لذا با توجه به روندهای عام جامعهٔ بشری پیشرفت علمی و فنی و تحول زندگی عشایری ضرورتی غیر قابل اجتناب است. شهرستان ممسنی به‌علت عبور ناقص از مراحل نوسازی و عدم نهادینگی نهادهای مدرن و توسعه‌یافته، تاحدودی با این چالش مواجه است.

ج) موانع اجتماعی: در جوامع عشایری نظم انظباطی مبتنی بر سلطهٔ اجتماع و تشابه‌پذیری از نظر وجدان جمعی مانع انسجام توأم با تفکیک و تفاوت‌پذیری است. استقلال و هویت فردی تحت الشعاع هویت جمعی کوچک و خاص‌گرایانهٔ طایفه‌ای و قبیله‌ای است. مصالح محلی و طایفه‌ای و خانوادگی بر منافع فردی، سنت‌گرایی بر تعقل‌گرایی، خاص‌گرایی بر عام‌گرایی و حقوق کیفری و مجازات تنبیهی از جمله قصاص و انتقام‌جویی بر حقوق مدنی و مجازات ترمیمی و پیشگیرانه مسلط است. سیطرهٔ اجتماع قومی‌طایفه‌ای و نظم و انضباط خود یکی از موانع توسعه و بهبود اجتماعی مردم عشایر است. حقوق و تکالیف شهروندی در چنین جوامعی تحت الشعاع تعهدات و وابستگی‌های خاص‌گرایانهٔ طایفه‌ای است.

د) موانع ذهنی و شخصیتی: انزوای جغرافیایی، اقتصاد معیشتی، تعاملات محدود با فامیل و خویشاوندان، بی‌سوادی و کم‌سوادی و ضعف برخورداری از کالاهای فرهنگی و فناوری‌هـای نوین ارتباطی بیانگر پایین‌بودن سـطح آگـاهی، رواج تقـدیرگرایی و تـداوم اعتمـاد اجتمـاعی محدود و هویت جمعی کوچک و خاص‌گرایانه است. در ممسنی این عوامـل فرآینـد توسـعهٔ سیاسی را با بحران مواجه می‌کنند.

ر) موانع مالی و اعتباری: منابع مالی اعم از اعتبارات دولتی، سرمایه‌گذاری بانک‌ها و بخش خصوصی در شکوفایی استعدادهای مناطق اثر تعیین‌کننده‌ای دارد، به‌گونه‌ای که می‌تـوان آن را یکی از پایه‌های اساسی توسعه در هر منطقه به حساب آورد. از سال ۱۳۷۲ ضرورت توسـعه و تحول همه‌جانبه مناطق عشایری کشور مطرح گردید و به همین جهت اعتباراتی برای مطالعات جامع و تفصیلی اختصاص داده شد تا با انجام آن، چگونگی توسعهٔ آتی منطقه مشـخص و بـر آن اساس برنامه‌ریزی شود. از آنجایی که سرمایه‌گذاری بـرای توسـعهٔ منـاطق عشـایری چنـد سالی بیش سابقه ندارد و نیاز شدید عشایر ایجاب می‌کند که سرمایه‌گذاری‌هـا کـلان باشـد تـا برنامه‌های توسعهٔ مناطق عشایری بهتر بـه تحقـق برسـد و از طرفـی چـون بخـش خصوصـی تمایلی برای سرمایه‌گذاری در مناطق عشایری نشان نمی‌دهد و خود عشایر هم کـه سـرمایه‌ای جز دام‌هایشان ندارند و توان سرمایه‌گذاری در خود نمی‌بینند، در نتیجه موضـوع کـلان بـودن سرمایه‌ها و اعتبارات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی توسعهٔ منـاطق عشـایری داشـته باشد. به‌عبارتی پیشنهاد هر نوع برنامه برای توسعهٔ آتی قلمروهای ایلی کشـور بایـد مناسـب و موازی میزان اعتبار و سرمایه‌گذاری آن باشد؛ لذا رقابـت بـرای دریافـت اعتبـارات دولتـی از طریق انتخاب نامزدهای طایفه‌ای دنبال می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش گویایِ این است که رابطهٔ معناداری میان متغیـر طایفـه‌گرایـی و توسـعهٔ سیاسی وجود دارد، به‌طوری‌که طایفه‌گرایی یکی از عوامل بنیادین در توسـعه‌نیـافتگی سیاسـی ممسنی به‌شمار می‌رود. در شهرستان ممسنی به‌دلیل حاکمیت بافت سنتی و غلبهٔ عناصـر متـأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش برانگیز، فرآیند توسعهٔ سیاسی با موانعی مواجه بوده است. نتایج تحلیل و جداول مربوط به یافته‌های میدانی حاکی از آن اسـت

که میزان شدت طایفه‌گرایی اگرچه در دوران قبل و بعد از انتخابات کاهش پیدا می‌کند، لکن در زمان انتخابات، با توجه به رقابتی که از دیرباز بین طوایف موجود در ممسنی بر سر کسب قدرت سیاسی (کُرسی مجلس) وجود دارد، این میزان افزایش پیدا می‌کند، تا جایی‌که تبدیل به تنش و درگیری‌های بین طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در بین مؤلفه‌ها و خاستگاه‌هایی که بر الگوی رأی دهی در حوزه انتخابیهٔ ممسنی اثرگذار است، ترجیحاً هویت محلی و طایفه‌ای از نمود چشمگیری برخوردار است و این مهم بیشترین نقش را در پیروز شدن نامزدهای مجلس شورای اسلامی در انتخابات مجلس شورای اسلامی داشته است.

از منظر تقابل سنت و مدرنیته نیز ساکنان ممسنی به‌دلیل محرک‌های بیرونی و تأثیرگذار بر اندیشه‌شان، گزینش خود را بر مبنای عواطف و وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای استوار ساخته و عناصر جهان مدرن را مؤلفه‌هایی غیرمؤثر بر سرنوشت تاریخ، جغرافیا و علقه‌های مادی و معنوی خود پنداشته‌اند. از سوی دیگر ضعف عقلانیت سیاسی، حاکمیت عواطف و احساسات و رخنه آن در بستر جامعه ممسنی را در پی داشته و امکان هرگونه تفکر و خلاقیت در زمینهٔ ایجاد فرهنگ سیاسی تکثرگرایانه و هم‌زیستی فارغ از عصبیت را از بین برده و فرآیند توسعهٔ سیاسی را به تأخیر انداخته است. در این چارچوب متغیرهایی نظیر رابطهٔ اجتماعی باز، صراحت و اعتماد از پتانسیل بالایی برای حاکمیت عقلانیت سیاسی، کاهش گرایشات طایفه‌ای و در نظر گرفتن منافع و مصالح عام برخوردارند. در جای دیگر اشاره شد که محورهای رادیکالیسم قومی از جمله اعمال خشونت و بی‌عدالتی نسبت به طوایف مغلوب در انتخابات، فرهنگ سیاسی عشیره‌ای و سنتی نامطلوب در ممسنی، ضعف ایجاد اشتغال برای نیروهای انسانی کارآمد و جوانان و محرکه‌های رادیکالیسم قومی نظیر نمایندگان، گروه‌های خویشاوندی، متنفذین محلی و سران و بزرگان طوایف به بازی با حاصل جمع صفر و افزایش تنش در میان طوایف منجر شده است.

در زمینهٔ توزیع ناعادلانه قدرت میان نخبگان سیاسی ممسنی، به‌دلیل محوریت ویژگی‌ها و علایق عاطفی‌نَسَبی و تقسیم وظایف بر بنیاد طایفه‌محوری و هویت جغرافیایی افراد، مفهوم تکثرگرایی و بهره‌گیری از ظرفیت نیروهای کارشناس در این جامعه وجود نداشته است. سرانجام، توسعهٔ نامتوازن و بی‌عدالتی جغرافیایی در شهرستان ممسنی این نتیجه را به‌همراه

داشته است که طایفه‌ای که کاندیدای آن کُرسی مجلس را در اختیار دارد و صـاحب قـدرت و نفوذ است، نه‌تنها به سایر مناطق جغرافیایی و طوایف دیگـر توجـه لازم را نکـرده، بلکـه تنهـا مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را ساماندهی و توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی) داده که در جریان کارزار انتخابات بیشترین میزان حمایت را از آن به‌عمل آورده است که ایـن خود در توسعه‌نیافتگی سیاسی شهرستان ممسنی تأثیرگذار بوده اسـت. بنـابراین بـا توجـه بـه یافته‌های پژوهش که گویای رابطۀ معنادار میان دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه‌نیـافتگی سیاسـی است، نگارندگان، ۱۰ راهکار بنیادین را برای حل بحران طایفه‌گرایی در حوزۀ انتخابیۀ ممسنی ارائه می‌کنند:

۱. تشکیل کارگروه‌های ضد طایفه‌گرایی (این کارگروه بایـد متشـکل از نخبگـان، اسـاتید، فرهنگیان، حقوق‌دانان و جامعۀ دانشجویی باشد که در قالب همایش‌ها و نشسـت‌هـای علمـی برای برگزاری انتخاباتی مسالمت‌آمیز و به دور از تنش‌های طایفه‌ای تلاش نمایند)؛

۲. ایجاد آگاهی توسط کارگروه‌های ضد طایفه‌گرایی در جهت کـاهش هیجانـات تـوده در زمان انتخابات؛

۳. ایجاد نظام موازنه از طریق کنترل سران طوایف به‌وسیلۀ نخبگان مخالف طایفه‌گرایی؛

٤. اتحاد و انسجام نامزدها قبل از برگزاری انتخابات در جهت آرامش و سلامت آن؛

۵. توجه نمایندگان به شایسته‌سالاری به‌جای ارادت سالاری؛

٦. عدم برخورد غیرت‌زا و تعصب‌آمیز نمایندگان با ساکنان حوزۀ انتخابیۀ خود؛

۷. سوق‌دادن افکار عمومی به توسعۀ سیاسی و اقتصادی شهرسـتان و تـلاش بـرای ایجـاد همدلی و اتحاد میان طوایف؛

۸. ایجاد توسعۀ متوازن و توزیع و تخصیص عادلانه (نه عامدانـۀ) منـابع بـر بنیـاد عـدالت جغرافیایی؛

۹. ارتقای بخش‌های اقتصادی نظیر صنعت و پتروشمی و همچنـین تخصـیص بودجـه بـه پروژه‌های عمرانی در مناطق مختلف جغرافیایی و فارغ از هویت و تعلقات مکانی ـ زادگاهی؛

۱۰. انتخاب یک اندیشۀ سیاسی همه‌گیر(فراطایفه‌ای)، به‌نحـوی‌کـه چتـر کامـل و پوشـش فراگیری برای افراد منطقه (کل شهرستان) ایجاد کند تا همه یا اکثریت قاطع جمعیت سـاکن در سرزمین، خود را مُتعلق به آن بداننـد و بـر ایـن اسـاس، ممسـنی بـه‌سـوی مـدیریت سیاسـی

یکپارچه‌ای رانده شود و امکان کنترل و تنظیم روابط بین طوایف فراهم آید و از این طریق الگوی مدیریت مشارکتی و صلح فراهم می‌شود.

بنابراین از دید نگارندگان با عملی‌کردن این تدابیر و راهکارها، می‌توان شاهد کاهش یا حذف فرهنگ سیاسی طایفه‌ای در شهرستان ممسنی باشیم که باید توجه دولتمردان محلی و منطقه‌ای (متولیان) را جلب کند، وگرنه با سطحی و غیرعلمی نگریستن به موضوع پژوهش (طایفه‌محوری)، در آینده از آن در جغرافیای سیاسی ممسنی بیشتر خواهیم شنید.

کتابنامه

١. احمدی‌پور، ز.، صادقی، و.، و تیموری، ح. ر. (١٣٩٤). تبیین رابطهٔ تمرکزگرایی و توسعهٔ سیاسی در ایران معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی. *فصلنامهٔ رهیافت انقلاب اسلامی*، (٣٠)، ٨١–٩٨.

٢. بشیریه، ح. (١٣٨٠). *موانع توسعهٔ سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.

٣. پالمر، م.، لاری، ا.، و گایل، چ.(١٣٩١). *نگرشی جدید به علم سیاست*. ترجمهٔ منوچهر شجاعی. تهران: وزارت امور خارجه.

٤. حافظ‌نیا، م.ر.، و کاویانی‌راد، م. (١٣٨٨). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.

٥. حبیبی فهلیانی، ح. (١٣٧١). *ممسنی در گذرگاه تاریخ*. شیراز: نوید شیراز.

٦. حجاریان، س. (١٣٧٩). *تاوان اصلاحات*. تهران: ذکر.

٧. دارابی، ع. (١٣٨٨). بنیان‌های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامهٔ پژوهش‌های ارتباطی*، ١٦*(٥٧)*، ٩–٣٧.

٨. دُسوان، آ. (١٣٨٢). *درآمدی به جامعه‌شناسی انسانی*.ترجمهٔ جعفر نجفی‌زند. تهران: دوران.

٩. رجب‌زاده، ا. (١٣٧٨). *جامعه شناسی توسعه: بررسی تطبیقی ـ تاریخی ایران و ژاپن*. تهران: سلمان.

١٠. رومینا، ا.، و صادقی، و. (١٣٩٤). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعهٔ موردی: شهرستان نورآباد ممسنی). *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، *١١(٣)*، ٨٤–١١٦.

١١. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس. (١٣٩٥). *گزارش برآورد جمعیت شهرستان‌های استان فارس به تفکیک شهرستان از سال ١٣٩١ تا ١٣٩٥*. شیراز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس.

١٢. سالنامهٔ آماری استان فارس. (١٣٩٠). *آمار مربوط به جمعیت شهرستان‌های استان فارس*. بازیابی در ١٧ اردیبهشت ١٣٩٤، از https://www.amar.org.ir

١٣. سعیدی، ع. (١٣٩٠). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: سمت.

١٤. آلوین، س . (١٣٧٨). *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمهٔ محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی.

١٥. صادقی، و. (١٣٩٤، شهریور). بنیادهای جغرافیایی کُنش سیاسی در شهرستان ممسنی. نشریهٔ مستقل دانشجویی اندیشهٔ نو دانشگاه آزاد ممسنی. ٦ (٨)، ٢٣-١٦.

١٦. صادقی، و.، و حسینی، س. م. ح. (١٣٩٤). سرچشمه‌های تولید طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی (استراتژی مقابله با آن). *فصلنامهٔ فرهنگی ـ اجتماعی فراسو*، ٨ (٢٧)، ١٧-٢١.

١٧. صیدایی، س. ا. (١٣٧٧). توسعهٔ پایدار جامعه عشایری ایران در آینده. *نشریهٔ علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، (١٣ و ١٤)*، ٨٣-١٠٠.

١٨. عبداللهی، م. (١٣٨٦). اسکان عشایر و توسعهٔ حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعهٔ موردی طایفه وری علی‌نظر در استان ایلام). *فصلنامهٔ علوم اجتماعی، (٣٢)، ١٩-٥٤*.

١٩. قوام، ع. ع. (١٣٨٩). *سیاست‌های مقایسه‌ای*. تهران: سمت.

٢٠. کاویانی‌راد، م. (١٣٩٢). *جغرافیای انتخابات با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری*. تهران: خوارزمی.

٢١. کاویانی‌راد، م.، و ویسی، ه. (١٣٨٧). بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران، مطالعهٔ موردی نهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری در ایران. *فصلنامهٔ ژئوپلیتیک*، ٤(٣)، ١-٢٠.

٢٢. کوئن، ب. (١٣٨٦). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. تهران: توتیا.

٢٣. گیدنز، آ. (١٣٨٧). *تجدد و تشخص ـ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمهٔ ناصر موفقیان. تهران: نی.

٢٤. مجتهدزاده، پ. (١٣٩٠). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.

٢٥. مقدس، ع. ا.، و حیدری، ا. (١٣٨٧). رابطهٔ هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی. *فصلنامهٔ مطالعات ملی*، ٩(٣٣)، ٩٧-١٢٦.

٢٦. موير، ر. (١٣٧٩). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمهٔ دره میرحیدر با همکاری سید یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

٢٧. مهدوی، م. (١٣٩٢). *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران*. تهران: سمت.

٢٨. میرزایی‌تبار، م.، صادقی، و.، و حسینی، س. م. (١٣٩٤). تبیین رابطهٔ فرهنگ سیاسی و توسعهٔ اقتصادی: مطالعهٔ موردی شهرستان ممسنی. *دو فصلنامهٔ دانش سیاسی*، ١١(٢٢)، ١٦٩-٢٠٨.

٢٩. نظری، س. غ.، بشیری‌گیوی، ح.، و جنتی، س. (١٣٩٢). بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعهٔ سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال). *مجلهٔ توسعه اجتماعی ایران*، ٦(٢١)، ١٣٧-١٤٦.

30. Almond, G., & Verba, S. (1968). *Princpal investigators*. Michigan: The Five Nation Study.

31. Bashiriyeh, H. (2001). *Obstacles to political development in Iran*. Tehran: gameno Publication.
32. Brady, H. E. (2000). Category Cally Wrong Vo manual versus graded measure of ethnic identity. *Studies in Comparative International Development*, *35*(3), 98-123.
33. Davarpanah, H. (2006). *English for the students of political science*. Tehran: Samt Publication.
34. Glassner, M. (1993). *Political geography*. Canada: John Wiley.
35. Huntington, S .P. (1969). *Political order in changing societies*. New Haven: Ale University Press.
36. Pye, L. (1966). *Aspects of political development*. Boston: Little Brown.
37. Statistical Yearbook of Fars Province. (2011, May). *Statistics of population for Fars province counties*, Management and Programming Organization of Fars Province, availlable at: https://www.amar.org.ir.